



عکس: سعید گلی | شهرآرا

خرده‌روایت‌هایی از مادرانی که در سال جاری
با چالش‌هایی برای تحصیل مجازی کلاس‌اولی‌ها روبه‌رو شدند

مادری به توان ۲

شهر بانو

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۵۲۳ روزنامه شهرآرا

۱۴۰۰ ۰۸ ۱۷ ۲شنبه

جدی‌گرفت
نبود قانون‌های
حمایتی!

چرا زنان خانه‌دار نیازمند حمایت قانونی
کارآمد هستند؟

روزهای
دشوار
مادر، معلمی



شب‌نامه‌نگار
شب‌نامه‌نگار

(آفاق)

روزهای دشوار مادر معلمی

از ابتدای سال تحصیلی روزی نبوده است که با پسرکم بر سر درس و تکلیف، بحثی نداشته باشم. از طرفی، نگران بازگشایی مدارس و به خطر افتادن سلامتی فرزندم هستم و از سوی دیگر، میان ناظم و معلم بودن و مادرانگی‌ام سرگردانم. امروز هم مانند دیروز و پریروز و روزهای دیگر یک ماه ونیم گذشته، از صبح زود تا آخر شب، ابتدا با آرامش و مهربانی، کم‌کم با صدایی بلندتر و لحنی جدی‌تر و در نهایت با خشم و پرخاش، جمله‌های تکراری «پسرکم! مشق!»، «عزیزم! تکلیف!»، «مامان جان! درس!»، «بنشین بنویس!»، «بخوان!» و... را همراه با تهدید و تشویق‌های مختلف چون پتک، بارها و بارها بر سر پسرکم فرود آوردم. انگار زمان کوتاه شده است و همیشه برای رسیدن به برنامه‌هایم عقب هستم. با این گرفتاری هرروزه، حتی فرصت در آغوش کشیدن و بوسیدن و بازی با فرزندم را مدت‌هاست از دست داده‌ام. هرچند در نهایت، تصویر تکالیف و درس‌هایش را بی‌کم‌وکاست و سر زمان مقرر برای معلمش ارسال کرده‌ام، پاسخ‌هایی که در طول روز از سویش دریافت می‌کنم گاهی لج‌بازی و بی‌تفاوتی، گاهی پرخاش و فریاد و در نهایت گریه و افسردگی بوده است. امروز آخرین تکلیفی که برای معلم ارسال کردم یک نقاشی از کامیون باری بود. پسرکم همه تلاشش را برای زیبایی نقاشی کرده بود و فضا سازی دور و بر کامیون بسیار جذاب بود اما در این میان، موضوعی به چشمم آمد. چهره خورشید طلایی نقاشی او زیر لکه‌های ابرهای آبی پرنری مخفی شده بود. قلبم درد گرفت. آیا آسمان ذهن و دل کودک سرزنده و شاد من ابری است؟ شاید فرزند دل‌بند من دیگر مثل گذشته شاد نیست. مبادا برای ساختن آینده، حال و کودکی‌اش را از او بگیرم! واقعا چه راهی را باید در پیش بگیرم که هم درس و تحصیل فرزندم پیشرفت کند و آسیب نبیند و هم نقش مادر بودنم را حفظ کنم؟ به خودم و رابطه این روزهایم با پسرکم که فکر می‌کنم. بیشتر از مادر، ناظمی را می‌بینم که می‌خواهد امور زندگی و تحصیل بچه‌ها را سر و سامان دهد و جای خالی معلم و مدرسه را پر کند. نگرانم با ادامه این شیوه، فرزندم را از خود برانم و پس از پایان همه‌گیری کرونا و بازگشت به زندگی عادی، درست در عنوان نوجوانی‌اش، آن قدر از هم فاصله گرفته باشیم که دیگر بهترین ابزار هدایت او را که همان محبت و عشق مادر و فرزندی است از دست داده باشم.

آنچه روایت شد تنها مشکل و دغدغه من نیست. این روزها بیشتر مادران با این دوگانگی‌ها و تنگناها روبه‌رو هستند. در این میان، مادرانی که فرزند کلاس اولی دارند شاید با مشکلات بیشتری دست‌به‌گریبان باشند. شیوه تدریس جدید دوران ابتدایی درمقایسه با زمان تحصیل مادران و وظیفه‌ای که در تکمیل نقش معلمان علاوه بر نقش روزمره مادری، همسری و بعضا کارمندی برعهده آنان نهاده شده، تنش‌ها و سختی‌های اداره خانواده را دوچندان کرده است. بانوان از ترس افت تحصیلی فرزندان، به عنوان مادرانی مسئولیت‌پذیر و فداکار، چنان در نقش معلمی و ناظمی فرو رفته‌اند که در حقیقت کفه مادر بودنشان با توجه به تصور کودکان در این باره، تا حد زیادی به نفع نقش جدید سبک شده است.

مادری که در برابر فرزندش ناچار به پرخاشگری رومی آورد، علاوه بر ایجاد آسیب جسمی و روانی برای فرزند، خودش هم از این تنش بی‌نصیب نمی‌ماند و پس از هر برخورد، آثاری ناگوار و گاه بلندمدت در وجودش به جای می‌ماند که گاهی سبب بروز رفتارهایی غیراصولی و مخرب در تربیت فرزندان می‌شود. این مشکلات می‌تواند عاملی برای کاهش اطمینان فرزندان از محبت پدر و مادر به خود، فاصله میان فرزندان و والدین و در نتیجه بروز آسیب‌های اجتماعی در آینده فرزندان شود.

همه آنچه گفته شد تجربه مادران بسیاری است که در فضایی کاملاً از سر ناچاری، هر روز ۲ سال گذشته را با کابوس امروز و فردای فرزند دل‌بندشان با مشقتی وصف‌ناشدنی گذرانده‌اند و امید دارند با واکنش‌های درصدها بالایی از جامعه، پیش از آنکه روح و روان خود و کودکان بیش از این آزرده و خسته شود، از این تنگنای سخت به سلامت بیرون بروند و نقش معلمان را تمام و کمال به خودشان بسپارند.

شهر بانو

شهر بانو

۲۷ آبان ۱۴۰۰
۲۷ آبان ۱۴۰۰ شماره ۳۵۲۳

(۲)



عکس: ژنیتی است

ملیحه غیور

مدیر دفتر حفظ آثار و نشر ارزش‌های مشارکت‌زنان در دفاع مقدس استان خراسان رضوی

(فروغ)

با هم در مسیر نور در مشهدالرضا (ع)

پیروزی رزمندگان را تثبیت کردند. استان خراسان رضوی ۹۷ بانوی شهید و ۸۱ بانوی جانباز و هزاران مادر و همسر شهید را در کارنامه خود دارد. مادران شهدایی چون بحرینی، دهنوی، منصوری و سلطانی دارند که هم‌زمان فرزندان‌شان را به سوی جبهه بدرقه می‌کنند و در فاصله‌های زمانی‌ای کوتاه، با چند فرزندشان وداع می‌کنند. این حرکت متعهدانه و غیرتمندانه از کجا نشئت گرفته است؟ «ما رأیت الا جمیلاً» جمله‌ای است که حضرت زینب^(س) در توصیف عاشورا فرمودند زیرا زیبا دیدن و زیبا اندیشی هم آرامش روح می‌بخشد، هم صلابت و پایداری و هم قدرت تحمل ناگواری‌ها. مادران و همسران شهدا با همین نگاه، فرزندان و همسرانشان را راهی جبهه کردند.

شهدا به سنت و سیره حضرت ابا‌عبدال... الحسین^(ع) عمل کردند و خانواده‌های شهدا با پیروی از حضرت خدیجه^(س) و حضرت زهرا^(س) مرضیه^(س) و حضرت زینب^(س) با صبر و استقامت از ارزش‌ها و آرمان‌های الهی دفاع کردند. بی‌شک، این نوع ایثارگری باعث پیروزی کشور و حفظ نظام و عزت بخشی و لذا استقلال و آرامش این سرزمین شد. لذا ما و نسل‌های آینده مدیون این خانواده‌ها هستیم.

معرفی سیره و سبک تربیتی خانواده‌های شهدا همان ترویج فرهنگ ایثار و شهادت است که نوعی از سبک زندگی اسلامی است.

اسلام دین حق‌شناسی است و تکریم و تجلیل پایمردی و صبوری خانواده شهدا از وظایف آحاد مردم.

تکریم خانواده‌های شهدا یعنی زنده نگهداشتن فرهنگ ایثار و شهادت که اگر کم‌کاری‌ای اتفاق بیفتد، باعث کم رنگ شدن این روحیه در نسل‌های بعدی خواهد بود.

مشهد مقدس، به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام، نگاهی جهان‌شمول می‌طلبد و در واقع، وقتی شهری پایتخت فرهنگی معرفی می‌شود، همه نگاه و تمرکز آن به معنای معرفی آداب و رسوم و ترویج حوزه فرهنگ و هنر به جهان اسلام است. از یک طرف، مضجع شریف امام رضا^(ع) به عنوان گران‌بهارترین سرمایه هویتی دینی، فرهنگی و هنری مشهد و هم‌چنین وجود پایگاه‌های عظیم حوزه علمیه، مساجد، نام‌آوران شعر و ادب و آیین‌های سنتی و گویش‌های محلی شیرین در میان مردم جزو ظرفیت‌ها و شاخصه‌های فرهنگی شهرمان محسوب می‌شود و از سویی دیگر، می‌توان به موضوع فرهنگ ایثار و شهادت که سالیان سال است در این شهر برکت و کرامت را جاری کرده است اشاره کرد.

با تقدیم ۱۸ هزار شهید خراسان رضوی می‌توان به مشهد و استان عنوان شهر و استان شهید پرور را اطلاق کرد. این در حالی است که هنوز هم عطری بوی شهادت را با وجود شهدای مدافع حرم و مدافع سلامت استشمام می‌کنیم. این افتخارات جز با وجود زنانی که استقامت و ایثار را مفهومی والا تر بخشیدند متجلی نمی‌شد. در طول مدت انقلاب، این زنان بودند که با پشتوانه و حمایت عاطفی از مردان و با بروز و ظهور احساسات و ایمان قوی، قدرت حضور مردان را در میدان‌های سخت تدارک دیدند.

زنان استان خراسان رضوی با وجود فاصله هزار و شصت کیلومتری با مناطق درگیر جنگ، با پذیرفتن نقش‌هایی چون امداد، شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها، جریان‌های سیاسی اجتماعی تبلیغاتی، یاری رساندن به آوارگان جنگی، مدیریت خانه و تربیت فرزندان در غیاب همسر، جمع‌آوری هدایای مردمی، بسته‌بندی مواد غذایی و البسه، و بذل مال و توان، چنان عاطفه و ایثار و احساس را به هم آمیختند تا



عکس تزئینی است

شهربانو

۲شنبه
۱۷ آبان ۱۴۰۰
۲ ربيع الثانی ۱۴۴۲ شماره ۲۵۲۳

(۳)



مهتاب
علی نژاد
دکترای
جامعه شناسی

هنگامه

جدی گرفتن نبود قانون‌های حمایتی!

چرا زنان خانه‌دار نیازمند حمایت قانونی کارآمد هستند؟

دلهره‌هایشان پایان نداشت. آمده بودند در فضای باز پارک بانوان کمی خستگی بگیرند و همدلی کنند اما حتی هوای تازه پاییز هم مانع از کم‌رنگ شدن دغدغه‌های ذهنی‌شان نمی‌شد. جوان و میان‌سال بودنشان انگار تفاوتی در شرایطشان نداشت. رنج مشترک بود. هراس از روزهای پیش رو، هراس از بیماری، طلاق، جدامانگی و همه این‌ها بدون پشتوانه مالی و حمایت اقتصادی. از حرف‌هایشان و نصیحت‌ها و پیشنهادهایی که به یکدیگر می‌دادند مشخص می‌شد تا چه اندازه از بحران‌های اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی‌ای که بر زندگی‌های خانوادگی‌شان سایه انداخته بودند بیمناک و مستأصل‌اند. با این حال، جنس استیصال‌شان متفاوت از دغدغه‌مندی‌های قدیمی زنان و مادران بود. آنچه از گفت‌وگوهایشان برمی‌آمد این بود که این دغدغه‌مندی‌ها با توجه به شرایط فعلی زندگی، به‌روز شده‌اند و در کنار نگرانی برای خانواده، متوجه نگرانی برای خودشان نیز هستند. ذهن آنان درگیر یک «چه خواهیم کرد؟» عمیق بود: اگر زندگی خانوادگی را از دست بدهیم، اگر بیمار شویم و اگر تنها بمانیم، بدون هیچ مزایای حمایتی مالی، چه خواهیم کرد؟!

➤ هراس‌های زیست اجتماعی‌تان را ریشه‌یابی کنید

امروزه مشکلات در زندگی خانوادگی بسیار بیشتر از گذشته است. خطر ازهم‌گسیختگی‌های عاطفی و به‌بن‌بست رسیدن زندگی مشترک به دلیل شرایط کنونی جامعه چه از منظر بحران‌های اقتصادی و چه آسیب‌های ناشی از فراگیری ارتباطات بین‌فردی از طریق فضاهای مجازی خانواده‌ها را از بابت دوام کانون خانواده تهدید می‌کند. اگرچه شایسته نیست نگاهی بدبینانه یا نومیدانه به امکان حل تعارضات درون خانوادگی به‌ویژه تعارض‌های میان همسران داشت اما در کنار تلاش برای افزایش مهارت‌های ارتباط مؤثر با دیگری که مهارتی بسیار ضروری برای حفظ پیوند و کانون خانواده در زندگی امروز است، شایسته است چشم‌ها را بر واقعیت‌های اجتماعی موجود نبندیم. با شناخت صحیح و نگاه دقیق به مسائل اجتماعی در سطح جامعه و خانواده است که شناخت به‌موقع مسئله‌های موجود ممکن می‌شود و می‌توان راهکاری به‌هنگام برای حل مسائل و جلوگیری از گسستن پیوند افراد از یکدیگر چاره‌جویی و اجرایی کرد. بیماری‌های جسمی را در نظر بگیرد. زمانی که با دقت در عملکرد روزانه بدن خود، نشانه‌های غیرمعمولی را که در کارکرد بدن بروز می‌کنند در همان ابتدا شناسایی و برای تشخیص به‌پزشک مراجعه می‌کنید، بیماری احتمالی‌ای که در حال شکل‌گیری یا در مراحل اولیه خود در بدنتان است، با تشخیص به‌موقع به‌سرعت درمان می‌شود و از پیشرفت عارضه و درگیر شدن عضو آسیب‌دیده به شکل جدی پیش‌گیری می‌شود. درباره سلامت روان نیز همین فرایند صادق است. ذهن ابزار تصمیم‌گیرنده در مراودات اجتماعی شماست، خواه این مراودات در اولین کانون اجتماعی یعنی خانواده باشد، خواه در اجتماع بزرگ‌تر، یعنی جامعه. زمانی که افراد به نارضایتی از زندگی خود واقف شوند، چنانچه همان ابتدای احساس نارضایتی به‌جست‌وجوی چرایی و چگونگی شکل‌گیری نارضایتی‌شان اقدام کنند، چه بسا بتوانند با شناخت بهنگام و کمک گرفتن از درمانگر اجتماعی یا روان‌شناس، از پیشرفت احساس نارضایتی که به بیماری‌های ذهنی نظیر افسردگی و اقدام‌های بی‌رونی نظیر گسستن پیوندهای عاطفی و اجتماعی در درون خانواده یا با اطرافیان منجر می‌شود جلوگیری کنند. به‌طور معمول کشف

➤ امنیت فکری زنان مستلزم همراهی نهادهای قانون‌گذار است

وسعت یافتن بحران‌های جامعه به‌ویژه بحران‌های اقتصادی و ارتباطی، تأثیر بسیاری بر خانواده می‌گذارد. در این میان، زنان شاغل که از شغل‌هایی تضمین‌شده مانند کارمندی و مزایای بازنشستگی برخوردار هستند، به واسطه امنیت فکری نسبی‌ای که برای تأمین هزینه‌های خوراک و مسکن خود دارند، در مقایسه با زنان خانه‌دار، از اضطراب اجتماعی بقا کمتر رنج می‌برند. این در حالی است که زنان خانه‌دار به واسطه نبود حمایت‌های قانونی کارآمد مانند داشتن حقوق ماهیانه مشخص که بر اساس آن بتوانند برای زندگی فردی‌شان برنامه‌ریزی کنند یا اعتماد به نفس لازم را برای تجربه حس تأمین خود داشته باشند، از هراس‌های اجتماعی نظیر طردشدگی، نبود امکان تأمین اقتصادی و در مخاطره بودن تأمین معیشت ضمن حفظ حرمت اجتماعی رنج می‌برند. این هراس‌ها افکار آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ذهن آنان را درگیر اضطرابی پیوسته و استیصالی فرساینده می‌کند. این اضطراب‌ها علاوه بر سلامت روان، سلامت جسم آنان را نیز تهدید می‌کند. فقدان امنیت فکری در کنار مقایسه اجتماعی خود با دیگر زنان جامعه که شاغل هستند و بر درآمد مشخص ماهیانه و قابل برنامه‌ریزی اتکامی کنند یا زنان خانه‌دار در جوامع توسعه‌یافته که از حقوق و مزایایی مشخص و خدمات اجتماعی کارآمد برخوردار هستند، آنان را در رنجی اجتماعی و فروبرنده گرفتار کرده است. در این میان، زنان خانه‌دار بسیاری هم هستند که به دلیل آشنا نبودن با حقوق قانونی زنان در خانواده، حتی از قانون‌های کوچکی که ممکن است گریه از زندگی‌شان بکشاید ناآگاه‌اند. این ناآگاهی آنان را یکسره در استیصال روزمره می‌بلعد و پرسش «چه خواهیم شد؟» و «چه خواهیم کرد؟» را در ذهن آن‌ها به شکل دغدغه‌ای بدون راه‌حل تثبیت می‌کند. زنان خانه‌دار امروزه باید مطالبه‌گر حقوق قانونمند شده اجتماعی برای خود باشند تا بتوانند از شدت اضطراب‌های اجتماعی بر روانشان بکاهند و نهادهای قانون‌گذار را به حوزه اصلاح قانون‌های حمایتی فراخوانند.



شهر بانو +

۲شنبه
۱۷ آبان ۱۴۰۰
۲ ربيع الثانی ۱۴۴۲ شماره ۳۵۲۳

(۴)

خرده‌روایت‌هایی از مادرانی که درسال جاری
با چالش‌هایی برای تحصیل مجازی کلاس‌اولی‌ها روبه‌رو شدند

مادری به توان ۲



سعیده آل ابراهیم

چراغ قرمز کرونا مانند خیلی از موضوعات دیگر، سدره راه تحصیل دانش‌آموزان نیز شد. از میان دانش‌آموزانی که در دوران همه‌گیری کرونا نوع متفاوتی از تحصیل را تجربه کرده‌اند، شرایط برای کلاس اولی‌ها سخت‌تر بود زیرا حتی تجربه حضور در مدرسه را نداشتند. طبیعی است که شروع مدرسه مجازی با مشکلاتی برای مادران این دانش‌آموزان نیز همراه می‌شود. مادران شاغل که تا پیش از کرونا، فرزندشان را به مدرسه می‌فرستادند و خیالشان از این بابت که او در خانه تنها نیست آسوده می‌شد، اکنون بر سر دوراهی‌ای قرار می‌گیرند که میان تنهایی فرزندشان یا از بیکاری‌وازد دست دادن شغل یک‌گزینه را انتخاب کنند. از سوی دیگر، مادران خانه‌دار نیز با وجود مسئولیت‌های خانه‌داری و رسیدگی به امور اعضای خانواده، باید وقت خود را تمام و کمال برای فرزند کلاس اولی خود می‌گذاشتند. مادران دانش‌آموزان به‌ویژه کلاس اولی‌ها در این مدت دل‌نگرانی و اضطرابی را تجربه کردند که تا پیش از این، تصویری از آن نداشتند. مهم‌ترین ترس آن‌ها این است که کودکانشان در اولین و مهم‌ترین پایه تحصیلی‌شان دچار اشکال شوند و به قول معروف حکایت آن‌ها مانند این ضرب‌المثل شود که «خشت اول چون نهد معمار کج، تاثر با می‌رود دیوار کج!». سخت است خانه را به مدرسه تبدیل کنی، آن‌هم برای بچه‌هایی که هیچ تصویری از درس و مدرسه ندارند، باید بنشینند و به جای اینکه الفبا را از زبان معلم خود پای تخته سیاه یاد بگیرند، آن‌را از قاب گوشی تلفن همراه یا تبلت آموزش ببینند. همیشه در باورمان، معلم‌ها آدم‌های صبور بودند که می‌توانستند چندین ساعت را در روز با بچه‌ها سر و کله بزنند. اما کرونا کاری کرد که باید مادران پایه‌های بچه‌ها سر کلاس درس بنشینند و صبح تا شب پیگیر درس و مشق آن‌ها باشند.

از مادری تا ناظم مدرسه

به جای مادر تبدیل به یک ناظم مدرسه شده است. «باید مدام به پسر یادآور شوم که کلاست دیر نشود یا تکالیف را سر ساعت تحویل بده. دیگر احساس می‌کنم رابطه مادر و فرزندمان به هم خورده است. هر روز سعی می‌کنم سیاست جدیدی را پیش بگیرم. یک مرتبه با جدیت و مرتبه دیگر با تشویق از فرزندم می‌خواهم که تکالیفش را انجام بدهد تا متوجه شوم که کدام روش بیشتر جواب‌گوست.»

را بیدار می‌کنم. صبح‌ها بدخلقی می‌کند، اما باید برای حضور در کلاس مجازی بیدار شود. مدتی که دور کار بودم، در کنار انجام کار خودم، حواسم به او هم بود، اما حالا مدتی است که باید به سر کار بروم و مدام از طریق تماس تلفنی پیگیر کلاس و تکالیفش هستم. پسرش بازیگوش است. کافی است که از او غافل شود تا درس و مشق را رها کند و مشغول بازی شود. به همین دلیل ریحانه معتقد است او در مدت کرونا،

از صبح تا شب زبانش مو در می‌آورد، آن‌قدر که باید به دختر هفت‌ساله‌اش بگوید حواست به درست باشد یا تکالیف را به موقع انجام بده. ریحانه به معنای واقعی کلمه از اینکه هر روز باید از صبح تا شب امر و نهی کند تا فرزندش از زیر بار درس خواندن و تکلیف نوشتن فرار نکند، خسته شده است. شاغل است و به همین دلیل صبح زودتر از اعضای خانواده بیدار می‌شود تا به کارهای خانه‌اش برسد. «پیش از اینکه به سر کار بروم، پسر

اضطراب و خستگی ارمغان کلاس مجازی



نفیسه کارمند است. به همین دلیل از صبح تا ظهر خانه نیست و نمی‌تواند در کلاس‌های درس مجازی، فرزندش را همراهی کند. هرروز، دخترش را به خانه مادر خود می‌برد تا خاله‌اش در زمان کلاس‌ها، کنار او باشد. «دوست داشتم خودم کنار فرزندم باشم، اما زندگی خرج دارد و نمی‌توانم کارم را رها کنم. زمانی که سر کار هستم چند مرتبه با مادرم تماس می‌گیرم و جویای کلاس‌های دخترم می‌شوم. ظهر که به خانه می‌رویم، دخترم پیگیر تکالیفش است، اما من آن قدر خسته هستم که تکالیفش را به عصر موکول می‌کنم و به طور متوسط دو سه ساعتی درگیر تکالیف او هستم. ضمن اینکه باید به کارهای خانه نیز رسیدگی کنم.»

او می‌گوید که باید تکالیف را سر ساعت مقرر در گروه ارسال کنند و حتی اگر یک دقیقه از آن بگذرد، دیگر امکان ارسال نیست، علاوه بر دانش‌آموزان به مادران نیز استرس زیادی وارد می‌کند. «از عصر مدام چشمانم روی ساعت است که مبادا ساعت به ۹ شب برسد و دخترم هنوز تکالیفش را آماده نکرده باشد. به همین دلیل خیلی به او گوشزد می‌کردم که زودتر تکالیفش را انجام دهد به خصوص زمانی که عصر بیرون می‌رفتیم. استرس

این موضوع به قدری زیاد بود که اعتراض کردیم و این شیوه را تغییر دادند.» نفیسه بر این باور است که تنها چیزی که می‌تواند دانش‌آموز را پای کلاس‌های مجازی بنشاند، انگیزه‌ای است که معلم در آن‌ها ایجاد می‌کند و اهمیت این موضوع در پایه اول دوچندان می‌شود. «به نظرم باید معلم‌های کلاس اول با تجربه باشند که بتوانند از راه دور علاوه بر تدریس، حس خوبی را به دانش‌آموز منتقل کنند. معلم دخترم روش تشویقی را در نظر گرفته است و هر هفته ۵ نفر برتر کلاس را معرفی می‌کند. بین بچه‌ها فرقی نمی‌گذارد و یکی یکی آن‌ها را به عنوان دانش‌آموز برتر انتخاب می‌کند.»

شهربانو

۲۰ شهریور
۱۴۰۰ آبان
۲۰ شهریور ۱۴۴۲ شماره ۲۰۲۲

(۵)

فرانگرفتن مهارت‌های گروهی

نکته‌ای که شاید در میان چالش‌های آموزش مجازی به دانش‌آموزان پنهان مانده، این است که مسائل تربیتی و نکاتی که معمولاً تا پیش از این بچه‌ها در مدرسه و در تعامل با گروه هم‌سالان خود یاد می‌گرفتند، حالا این بار تنها بر دوش خانواده است. سارا مادری خانه‌دار است که به گفته خودش، هرروز تا قبل از شروع کلاس و انجام تکالیف دخترش، حس و حال خوبی دارد، اما از زمانی که کلاس شروع می‌شود تا شب دچار چالش و استرس است. «دخترم از نظر ارتباط‌گیری و اجتماعی بودن مشکل داشت، به قدری که حتی به همسایه‌ای که چند سال است او را می‌بیند خجالت می‌کشد تا سلام کند.

من همیشه به این امید بودم که در محیط مدرسه بتواند بهتر ارتباط برقرار کند. به همین دلیل او را به پیش‌دبستانی فرستادم، اما از نیمه‌راه به دلیل کرونا تعطیل شد. در کلاس‌های مجازی نیز نتوانسته است هنوز دوستی پیدا کند و به همین دلیل بچه‌ها مهارت‌های گروهی را با تأخیر بیشتری یاد می‌گیرند.»

او معتقد است که در کلاس‌های مجازی فرصتی پیش نمی‌آید که معلم‌ها بتوانند درباره موضوعاتی به غیر از درس صحبت کنند. البته در مهرماه یکی دو روز در هفته به صورت حضوری مدرسه می‌رفتند، اما در همان مدت نیز باید معلم نکات درسی را به بچه‌ها آموزش بدهد. «معلم‌ها دیگر

وقتی ندارند که بر روی مسائل تربیتی نیز کار کنند و بار این موضوع نیز بر دوش خانواده و به خصوص مادران است. بچه‌ها از حجم زیاد تکالیف کلافه شده‌اند. دخترم که خیلی دوست داشت به مدرسه برود حالا گاهی که خسته می‌شود می‌گوید چرا من را در مدرسه ثبت‌نام کردید؟ زیرا فکر می‌کند مدرسه به این معنی است که تکلیف بنویسد. با وجود این، دوست دارد به مدرسه برود و همان زمان کمی که به مدرسه می‌رفت خیلی در روحیه‌اش تأثیر داشت.» هنوز برای دختر او نیز مانند خیلی از دانش‌آموزان دیگر، کلاس مجازی جا نیفتاده است و به همین دلیل سخت می‌توانند زمانی که باید سر کلاس باشند

از روحیات و فعالیت‌هایی که در خانه خودشان دارند، دور شوند. «خیلی از اوقات سر کلاس حواسش پرت می‌شود به این دلیل که در مدرسه نیست. فکر می‌کند به این خاطر که در خانه است می‌تواند زمانی که کلاس دارد بازی کند یا کارتون تماشا کند. جدا از این انجام تکالیف، اگر به صورت فشرده باشد دوسه ساعته تمام می‌شود، اما بارها باید گوشزد کنم تا آن‌ها را انجام بدهد. از اقوام شنیده بودم که تا پیش از شرایط کرونا، مدرسه از بچه‌شان می‌خواست است که تکالیف را همان‌جا انجام بدهند و زمانی که کودک به خانه می‌آمده دیگر خود و خانواده‌اش درگیر تکالیف نمی‌شده‌اند.»

زمان کم، کلافگی بی‌شمار



از قبل با او هماهنگ می‌کنم که سر ساعت ۱۱:۱۵ تماس بگیرم که زنگ تفریح بچه‌ها شروع می‌شود و گوشی تلفن همراه برای ۱۰ دقیقه تا شروع کلاس بعدی آزاد است. فرزانه خانه‌دار است و صفر تا صد کلاس مجازی و تکالیف دخترش به او ختم می‌شود. «دخترم به این دلیل که پیش‌دبستانی هم نرفته بود، خیلی علاقه داشت که به مدرسه برود، اما کرونا موجب شد سال اول تحصیلی‌اش در گوشه خانه بگذرد. در این مدت، کلافه شده است زیرا می‌خواهد دوستانش را از نزدیک ببیند.»

فرزانه باور دارد که بیشتر افراد می‌گویند مادرانی که شاغل هستند، تکالیف از کنترل‌شان خارج می‌شود، اما او با اینکه خانه‌دار است، بازهم وقت کم می‌آورد.

«ساعت کلاس‌های دخترم و انجام تکالیفش با زمان کارهای خانه و بیرون تداخل دارد. ضمن اینکه من یک دختر بزرگ‌تر هم دارم و باید به کارهای او هم رسیدگی کنم. ساعت خواب‌مان نیز به هم ریخته است و معمولاً شب‌ها تا ساعت ۱۲ در حال انجام تکالیف و آزمایش‌های دخترم هستیم.»

فرزانه نیز مانند بسیاری از مادرانی که در دوره کرونا، فرزند کلاس اولی داشتند، نتوانسته است اوقات فراغتی برای خودش داشته باشد. «در مدتی که مدرسه دخترم به صورت مجازی باز شده است، کارهایی را که خودم به آن علاقه‌مند هستم نتوانسته‌ام انجام بدهم. دوست دارم پیگیر اخبار باشم و کتاب بخوانم، اما حالا چند ماه است که هر بار به سراغ کتابی می‌روم، تنها

چند صفحه از آن می‌خوانم و دوباره ناچار می‌شوم آن را کنار بگذارم.» صبح‌ها دخترش را به سختی از خواب بیدار می‌کند و تا زمانی که سر حال شود، زمان می‌برد که ساعت اول کلاس می‌گذرد. او معتقد است مادران نیز در این مدت معلم شده و شاید چند مرتبه تجدید پایه کرده‌اند. «از طرف دیگر مدتی با دخترم

چالش داشتیم که گمان می‌کرد تکالیف را من می‌گویم و معلمشان اجباری در نوشتن تکالیف برایشان قائل نشده است به این دلیل که به هر حال محیط خانه با مدرسه متفاوت است. مشکل دیگر اینترنت و اپلیکیشن ضعیف بود که بارها به همین دلیل اسم دخترم به عنوان غایب رد می‌شد در صورتی که مشکل از جای دیگری بود.»



پله پله تا کم رنگ شدن رابطه

هنگامه شاغل بود، اما به دلیل کرونا و رسیدگی به ۲ فرزندش، کار را کنار گذاشت. حالا به گفته خودش، مدت هاست که یک مادر تمام وقت شده است. هر روز از صبح تا شب درگیر کلاس مجازی، تکالیف، کارهای خانه و... است. شب‌ها از خستگی مفرط هنوز سرش به بالش نرسیده به خواب می‌رود. «گاهی در گروه با مادران و پدران دیگری که فرزند کلاس اولی دارند، صحبت می‌کنیم. همه دچار مشکل هستند، یکی کمتر و دیگری بیشتر. هر روز از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر آنلاین هستیم و بین ساعت ۱۳ تا ۱۴، معلم تکالیف را ارسال می‌کند و تا عصر درگیر انجام آن‌ها هستیم.»

تا پیش از اینکه دخترش به سن مدرسه برسد کلاس‌های فوق برنامه‌ای را بنا به علاقه خود و پدر و مادرش شرکت می‌کرد و حالا با وجود مدرسه، بازهم دوست دارد این کلاس‌ها را ادامه بدهد. «بچه‌های دیگر از ظهر تا شب فرصت دارند تکالیفشان را انجام بدهند، اما دخترم هر روز یک کلاس یک ساعته در بعدازظهر دارد و به همین دلیل باید او را مجبور کنم که بخش زیادی از تکالیفش را ظهر انجام بدهد.»

او معتقد است که برای مادران بسیار سخت است تا عادات اشتباه بچه‌ها را در نگارش حروف و... اصلاح کنند و این موضوع زمان و انرژی زیادی از آن‌ها می‌گیرد زیرا بچه کلاس اولی است و باید همه کارها و تکالیفش با نظارت مستقیم مادر و پدر انجام شود. «با خیلی از پدرها و مادرهای هم کلاسی‌های دخترم صحبت کرده‌ام و متأسفانه بیشتر بچه‌ها مانند فرزند من دچار چپ‌نویسی شده‌اند. جدا از این باید به صداکشی، بخش کردن کلمات و حتی مدل قلم دست گرفتن بچه‌ها نظارت داشته باشیم. اگر امسال رهايش كنيم، اصلاح اين عادات در سال بعد سخت‌تر می‌شود.»

هنگامه یک دختر سه‌ساله نیز دارد که هم‌زمان باید رابطه‌اش را با او نیز حفظ کند. رابطه خوبی که با دختر بزرگش داشته کم شده است زیرا او در مورد کلاس‌های مجازی و انجام تکالیف، سخت‌گیر است. «آن قدر در طول مدت کرونا در رابطه با دخترانم به چالش خوردم و رابطه خواهرانه میان آن‌ها نیز کمی شکرآب شده بود، به مشاوره رفتم. راهکار این بود که هر روز برای هر کدام از آن‌ها یک ساعت وقت مفید و جداگانه بگذارم، در صورتی که از صبح تا شب وقتی برای سر خاراندن هم ندارم. پدر و مادرم سال خورده هستند و کارهای متفرقه آن‌ها نیز بر دوش من است. با اینکه پرستار دارند، هماهنگی کارهایشان برایم بار روانی در پی دارد.»

او نیز مانند خیلی از خانواده‌های دیگر با اینترنت ضعیف و اختلالات آن دچار مشکل است. علاوه بر این در خانه‌شان، تلفن همراه آنتن نمی‌دهد و حتی با وجود ۲ مودم، بازهم اینترنت در خانه‌شان قطع و وصل می‌شود. «بیش از هر زمانی از لحاظ روحی خسته‌ام و در این مدت، بسیار پرخاشگر و عصبی شده‌ام. آن قدر فشار مسئولیت زیادی را تجربه می‌کنم که گاهی احساس ناتوانی به من دست می‌دهد. مادر بودن حس شیرین و لذت‌بخشی است، اما در بعضی از شرایط طاقت‌فرسا است.»

با خیلی از پدرها و مادرهای هم کلاسی‌های دخترم صحبت کرده‌ام و متأسفانه بیشتر بچه‌ها مانند فرزند من دچار چپ‌نویسی شده‌اند. جدا از این باید به صداکشی، بخش کردن کلمات و حتی مدل قلم دست گرفتن بچه‌ها نظارت داشته باشیم. اگر امسال رهايش كنيم، اصلاح اين عادات در سال بعد سخت‌تر می‌شود.

شهربانو

۲شنبه
۱۷ آبان ۱۴۰۰
۲ ربيع الثاني ۱۴۴۲ شماره ۲۵۱۳

(۶)

اینترنت ضعیف عامل استرس مضاعف



در دوره کرونا، معلم‌ها نیز در گوشه‌ای از خانه، تخته‌ای گذاشتند و آموزش را به صورت مجازی برای دانش‌آموزان خود ادامه دادند. الهه، معلم و علاوه بر آن مادر ۲ فرزند است که یکی از آن‌ها امسال قرار بود برای اولین بار در محیط مدرسه قرار بگیرد که همه چیز ملغی شد. الهه، اولین و مهم‌ترین مشکلی که در آموزش مجازی و گرفتاری خانواده‌ها بیان می‌کند اینترنت ضعیف و ترافیک بالای آن است. «تا به حال بارها پیش آمده است که وسط مبحث درسی یا زمانی که دخترم باید پاسخ معلم را می‌دهد، ناگهان اینترنت قطع می‌شود. دخترم کلاس اولی است و روحیه بسیار حساسی دارد. زمانی که اینترنت قطع می‌شود، استرس می‌گیرد و به دنبال آن اضطراب به من نیز منتقل می‌شود. احساس می‌کنم این قطعی‌های مدام اینترنت، او را از درس خواندن زده کرده است.»

الهه، پسر و دخترش، هر روز باید در کلاس‌های مجازی خود حضور داشته باشند و زمانی که اینترنت دچار اختلال می‌شود، به ناچار هر سه در قسمتی از خانه که بهتر آنتن می‌دهد جمع می‌شوند. «سعی می‌کنیم در اتاق‌های مجزا سر کلاس باشیم، اما گاهی مجبور هستیم کنار هم بنشینیم و صدا به صدا نمی‌رسد. دخترم حواسش پرت می‌شود و این شرایط برایم بسیار عذاب‌آور شده است.»

برای اینکه بتواند به همه کارهایش از رسیدگی به بچه‌ها گرفته تا خانه‌داری و... برسد، از وقت خواب خود کم کرده است. صبح‌ها زودتر از همه بیدار می‌شود تا غذا را حاضر و کمی به کارهای خانه رسیدگی کند. «دخترم هر جایی که از درس عقب بماند یا متوجه نشود برایش توضیح می‌دهم. علاوه بر آن باید موقع نوشتن تکالیف کنارش باشم.

پسرم متوسطه دوره دوم است و خیلی کمتر برای درسش نیاز به کمک دارد. اما برای دخترم خیلی وقت می‌گذارم تا همه تکالیف و آزمایش‌ها را به درستی انجام دهد و اگر همه چیز خوب پیش برود، ساعت ۱۲ شب می‌توانیم بخوابیم. به عنوان یک مادر، وظایفم خیلی سنگین‌تر شده است. کارهای روزمره از من انرژی زیادی می‌گیرد و در تمام این مدت، منتظرم این روزها زودتر بگذرد.»

مشارکت والدین در آموزش

تجربه



ربحانه صادقی
مترجم

گاندی زمانی گفت: «هر خانه یک دانشگاه است و والدین آموزگاران این دانشگاه هستند.» این جمله ساده خبر از واقعیتی بزرگ دارد: میزان مشارکت والدین در فرایند یادگیری دانش‌آموزان ارتباط مستقیمی با میزان موفقیت و دستاوردهای آن‌ها دارد.

مشارکت والدین به این صورت تعریف شده است: «مشارکت والدین در همه وجوه آموزش یک کودک و پیشرفت او از زمان تولد تا بزرگسالی، و اذعان به اینکه والدین اولین انسان‌های اثرگذار بر زندگی فرزندان‌شان هستند.» اولین انسان‌های اثرگذار بر زندگی فرزندان خود بودن شاید خیلی ترسناک باشد. تصور اینکه به عنوان والدین مسئول سلامت اجتماعی، روانی، احساسی و جسمی فرزندان‌تان باشید بار سنگینی بر دوش‌تان خواهد گذاشت. تعجیبی ندارد که بسیاری از والدین از فکر کردن به این موضوع احساس آشفتگی و اضطراب می‌کنند و خود را برای آموزش فرزندان‌شان خارج از کلاس‌های درس فاقد صلاحیت می‌دانند، اما تحقیقات نشان می‌دهند مشارکت هرچه بیشتر والدین حلقه‌ای حیاتی در زنجیره پیشرفت دانش‌آموزان و توانایی آن‌ها برای یادگیری مهارت‌های جدید مانند خواندن و نوشتن است.

در برخی کشورها به صورت نمادین از پدرها و مادرهایی که نقش معلم دارند تقدیر می‌شود زیرا معتقدند پدرها و مادرها اصلی‌ترین نقش را در حمایت از فرزندان‌شان برای یادگیری، رشد، پیشرفت و رسیدن به نهایت توانشان دارند. آن‌ها نقش بزرگی در آموزش فرزندان در سال‌های نخست زندگی‌شان دارند. هر کودکی اولین درس‌هایش را در خانه و از والدینش می‌آموزد.

بزرگداشت این روز از سوی مرکز ملی والدین در مقام آموزگار در شهر سنت لوئیس میزوری آغاز شد. این سازمان اولین بار در سال ۲۰۰۱ این روز را به عنوان روز والدین در مقام آموزگار نام‌گذاری کرد، مفهومی که خیلی پیش‌تر در دهه ۱۹۷۰ در میزوری شکل گرفت. آموزگاران متوجه شده بودند که کودکان دوره پیش‌دبستانی خود را با سطوح مختلفی از آمادگی تحصیلی آغاز می‌کنند و این میزان آمادگی چیزی است که بر عملکرد آن‌ها در کلاس درس بسیار اثرگذار است. از همان ابتدا تصمیم بر این شد که در روز والدین در مقام آموزگار از طریق آگاهی‌رسانی درباره برنامه‌های آموزشی کودکان به گروه‌های محلی از آن‌ها حمایت شود. در این روز، ابزار، منابع و حمایت‌های لازم برای والدین فراهم می‌آید تا بتوانند به طور مؤثر به راهنمایی کودکان‌شان بپردازند. این سازمان در برخی موارد با ارائه خدمات برای زنان باردار و خانواده‌هایشان، توانسته است فرزندان آن‌ها را از زمان تولد تارسیدن به دوره دبستان همراهی کند. یکی از اهداف کلان این سازمان پیش‌گیری از کودک‌آزاری و کوتاهی و بی‌توجهی به آن‌ها، افزایش آمادگی کودکان برای ورود به مدرسه و موفقیت آن‌ها، توسعه و اجرای برنامه سر زدن به خانه‌ها برای بهبود سلامت و ارتقای شرایط رفاهی خانواده‌های دارای فرزندان خردسال است.

نقش والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان‌شان در ۲ سال گذشته بسیار پررنگ‌تر هم شده است. کووید ۱۹ تغییرات بی‌سابقه‌ای در میزان تأثیر والدین بر آموزش فرزندان‌شان از پیش‌دبستان تا دبیرستان داشته است. در دوره‌ای نیز که کرونا با ما بوده است، بسیاری از کودکان و نوجوانان در جاهای مختلف دنیا تحصیل‌شان را چه به طور فیزیکی، چه مجازی و چه آمیزه‌ای از هر دوی آن‌ها دنبال کرده‌اند. این تغییرات سبب شده‌اند ارتباط و حمایت بین معلمان، والدین و فرزندان‌شان به مسئله‌ای به مراتب مهم‌تر از سال‌های گذشته تبدیل شود.

این ویروس باعث شد دست کم ۲۰ میلیون دانش‌آموز یک‌باره مجبور شوند خود را با روش‌های جدید آموزش به دور از شبکه حمایتی دوستان خود در مدرسه وفق دهند و مجبور باشند با عوامل حواس‌پرت‌کنی که با آموزش مجازی در خانه همراه است کنار بیایند. از سوی دیگر، نقش والدین نیز از نقش حمایتی در گذشته پررنگ‌تر و مهم‌تر شده است. آن‌ها نیز یک‌باره به همکاران معلمان تبدیل شدند. بسیاری از والدین می‌گویند احساس می‌کنند دوباره پشت میزهای مدرسه نشسته‌اند و دارند فکر می‌کنند چطور به سرعت حساب و دیفرانسیل را یاد بگیرند تا بتوانند به فرزندان‌شان نیز بیاموزند.



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۷ آبان ۱۴۰۰
۲ ربيع الثانی ۱۴۴۲ شماره ۲۵۲۳

(۷)

نفیسه زمانی
فصل فرهنگی

(ایراندخت)



مهد علیا نواب علیه سلطانم بیگم

نگاهی به زنان مقتدر مسلمان در تاریخ ایران

عصر صفوی به عنوان دوره رسمی شدن مذهب تشیع و دوران طلایی برخی هنرها و تجارت با دیگر کشورها یکی از اعصار مهم تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران به شمار می‌رود. در کنار این اتفاقات فرهنگی، زنانی نیز بوده‌اند که به نوبه خود آثار مثبتی بر جامعه گذاشته‌اند. یکی از زنان قدرتمند دربار صفوی سلطانم بیگم است. در حدود سال ۱۵۱۷ میلادی در موصل، از قلمرو آق‌قویونلوها، چشم به جهان گشود. مذهبش تشیع بود. مهد علیا نواب علیه سلطانم بیگم دختر موسی سلطان از قبیله موصولهای ترکمنان بود. پدرش بین امرای قزلباش جایگاه والایی داشت و خویشاوندی آنان با تاجلی بیگم، مادر شاه تهماسب اول، موجب آن را فراهم آورد تا سلطانم بیگم در سال ۱۵۳۰ میلادی به سن چهارده سالگی با شاه تهماسب اول ازدواج کند. ثمره این ازدواج محمدمیرزا، اسماعیل میرزا، مرادمیرزا و گوهرسلطان بیگم بود. از آنجا که تاجلی بیگم، مادر شاه، قصد داشت با نفوذ خود قدرت قزلباشان (یاران نزدیک صفویان) را در امور سیاسی از بین ببرد و قزلباشان به سوء نیت تاجلی بیگم آگاه شدند و در مقابل، آنان نیز شاه را به مادرش بدبین ساختند، فرجام چنین شد که بانوی ارشد دربار، تاجلی بیگم، به دستور شاه تهماسب اول به شیراز تبعید شد و مقام بانوی ارشد دربار به سلطانم بیگم رسید. سلطانم بیگم در تمام تصمیمات همسرش وی را همراهی می‌کرد و مورد مشورت شاه قرار می‌گرفت. بانو سلطانم بیگم به مدت ۴۵ سال ملکه قدرتمند دربار شاه تهماسب اول بود. وی دادگاهی سلطنتی از خود داشت که وزیری به نام خواجه ابراهیم خلیل میرزا، وزارت امور او را انجام می‌داد. سلطانم بیگم توانست لقب مهد علیا را کسب کند. چون شاه فوت کرد، درگیری بر سر جانشینی وی بود و سلطانم بیگم از فرزندش اسماعیل میرزا در رسیدن بر تخت شاهی حمایت کرد. البته در این مسیر، دختر دیگر شاه تهماسب، پریخان خانم، و همچنین طایفه موصولها نیز به دلیل خویشاوندی با سلطانم بیگم وی را همراهی کردند. سرانجام طبق میل سلطانم بیگم امور پیش رفت و فرزندش بر تخت سلطنت تکیه زد و این چنین موقعیت سلطانم بیگم به عنوان ملکه مادر در زمان شاه اسماعیل دوم تثبیت شد. با مرگ شاه اسماعیل دوم، ملکه مادر سلطانم بیگم از پسر دیگر خود، محمد میرزا، برای رسیدن به تاج شاهنشاهی حمایت کرد و در این مسیر نیز پیروز شد. عمر سلطانم بیگم تازمان حکمرانی نوه‌اش شاه عباس یکم نیز به درازا کشید و در دربار شاه عباس اول نیز جایگاه و مقام و منزلت والایی داشت. وی زنی دانشور و سیاست‌مدار بود و نفوذ او در زمان زنده بودن همسر و بینش سیاسی وی موجب آن شد تا فرزندان از نسل وی بر تخت سلطنت بنشینند. بانو سلطانم بیگم با ذکاوت بالای سیاسی، برای برقراری ارتباطات مثبت میان ایران و عثمانی، مکاتباتی با همسر و دختر شاه سلیمان عثمانی داشت

و آن‌ها نیز جواب نامه‌های

او را می‌نوشتند. بانوی

دربار در کنار امور سیاسی

به امور مذهبی نیز اهمیتی

بسیار می‌داد. به دستور

سلطانم بیگم در زمان شاه

عباس اول به معماری

اماکن مذهبی توجه خاصی

شد و به خواست این بانو

بارگاه امام حسین^(ع)

در کربلا بازسازی شد. علاوه

بر این، او به منزلت وقف نیز

آگاه بود و وقف‌های زیادی

در عتبات عالیات از بانو

سلطانم بیگم باقی مانده

است. از دیگر کارهای مهم

وی موقوفاتی برای روشنایی

حرم حضرت عباس^(ع) است.

بانو سلطانم بیگم در سال

۱۵۹۳ میلادی دارفانی را

وداع گفت. به دستور شاه

عباس، پیکر بانوی صفوی

را به مشهد منتقل کردند و

در حرم امام رضا^(ع) به خاک

سپردند.



پرسش‌های حقوقی بانوان

با ارائه دلایل دیگر از جمله شهادت شهود، برای اثبات نفی نسب اقدام کرد.

+ آیا بعد از طلاق، زن می‌تواند جهیزیه خود را به همراه ببرد یا باید حتما جهیزیه‌اش مکتوب شده باشد؟

استرداد جهیزیه هم با فهرست «سیاهه» و هم بدون آن امکان پذیر است. با توجه به اینکه زن مطابق قانون وظیفه‌ای برای تهیه جهیزیه ندارد و در صورتی که این اقدام صورت گرفته باشد مالکیت آن وسایل متعلق به زن است، چه هنگام وقوع طلاق چه بعد از آن، امکان استرداد جهیزیه وجود دارد. اگر سیاهه جهیزیه موجود باشد، اثبات مالکیت و استرداد آن‌ها راحت‌تر خواهد بود و اگر سیاهه‌ای تهیه نشده باشد، می‌توان با شهادت شهود یا ارائه فاکتور، برای استرداد جهیزیه اقدام کرد.

فوت همسرش، زوجه می‌تواند برای گرفتن شناسنامه ایرانی اقدام کند؟

در صورتی که تابعیت زوج (شوهر) به زوجه (زن) به واسطه ازدواج تحمیل شده باشد، تابعیت زن با همه امتیازات و حقوق، پس از فوت زوج یا جدایی، دوباره برقرار خواهد شد. برای این مورد، زوجه می‌تواند درخواست خود را به همراه گواهی فوت یا سند طلاق به وزارت امور خارجه ارائه دهد.

+ متولد ۱۳۳۳ هستم و مشکل ثبت نام نامادری ام در شناسنامه ام به جای نام مادر مرحوم خودم است. پدر مرحوم به علت مشکلاتی که با مادر مرحوم داشته نام نامادری ام را موقع اخذ شناسنامه در آن قید کرده است و این قضیه در بحث انحصار وراثت اموال ایجاد مشکل خواهد کرد. خواهشمندم راهکار و فرایند تصحیح این اشکال را به بنده نشان دهید.

می‌توان برای اصلاح شناسنامه اقدام کرد. در صورتی که نامادری در قید حیات هستند، هرچه سریع‌تر برای انجام آزمایش دی‌ان‌ای اقدام کنید تا بتوان با استفاده از آن به طرفیت ثبت احوال دادخواست اصلاح شناسنامه داد یا اینکه می‌توان

+ در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآر.آ به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.



زهرا شوشتری
کارشناس حقوق

+ اسم پسر من حسین است. می‌خواهم نام امیر را به آن اضافه کنم. چه کاری باید انجام بدهم؟ ثبت احوال محل گفته است رأی دادگاه نیاز است. چه نامه‌ای باید ارائه کنم؟

با توجه به دستورالعمل جدید شورای عالی ثبت احوال، تغییر نام کوچک توسط سازمان ثبت احوال در کمیته ویژه (کمیته نام) رسیدگی می‌شود و در صورتی که مغایرتی با دستورالعمل‌های تغییر نام وجود نداشته باشد، با آن موافقت می‌شود. در نهایت، می‌توان در صورت عدم موفقیت برای تغییر نام توسط ثبت احوال، با تهیه استشهادیه برای ثبت دادخواست تغییر نام و رسیدگی در دادگاه اقدام کرد.

+ در صورت سلب تابعیت قهری زوجه در اثر ازدواج با تبعه بیگانه و از دست دادن شناسنامه ایرانی و

شهربانو

شنبه
۱۷ آبان ۱۴۰۰
۲ ربيع الثانی ۱۴۴۲ شماره ۲۵۲۳

(۸)

شهرزاد

نگار موقر مقدم
فعال فرهنگی



نگاهی به کتاب «پست شبانه»

ناگفته‌های شنیدنی در نامه‌های گشوده

+ «پست شبانه» ششمین رمان خانم هدی برکات است، نویسنده لبنانی عرب‌زبانی که توانست در دوازدهمین دوره جایزه بین‌المللی بوکر عربی عنوان اثر برگزیده را از آن خود کند. این کتاب مجموعه‌ای از نامه‌های به مقصد نرسیده آوارگان دور از وطن است که به شکل رمان درآمده است. اگرچه نمی‌توان از اتصال نامه‌ها قاطعانه نام رمان را بر این کتاب گذاشت، به علت وجود تعلیق در سلسله اتفاقات به هم پیوسته آن و مضمون گیرای اثر، شاید بتوان آن را در فرم متفاوت‌تری از رمان پذیرفت: درد دوری و رنجوری از وطن و گفتن از ناگفته‌های انسان‌های متفاوتی که هریک جهان تازه‌ای از نگاهی نوبه‌روی خواننده باز می‌کند و از رازی نگفته پرده برمی‌دارد.

ویژگی دیگر این کتاب آن است که امید در رگ و پی نامه‌ها پنهان است. با آنکه نوشته‌ها در عین ناامیدی و تاریکی روح و روان نگارنده آن‌ها نوشته شده‌اند، امیدی که هریک از راوی‌ها را به نوشتن برای عزیزش ترغیب می‌کند، کورسوی روشنی است که باعث می‌شود خواننده داستان را دنبال کند، هر چند می‌دانند ممکن است نامه به مقصد نرسد. به همین دلیل، در «پست شبانه»، تنها مسئله «گفتن» است، به منزله امید به بخشش و بهبودی شرایط و رهایی از محاصره‌ای که راوی در آن دست و پا می‌زند. در حقیقت، نویسنده مجموعه اعترافات را گرد هم آورده است که راوی به امید بخشش، گناهانش را اقرار می‌کند و با این حال، می‌داند که گاهی رسیدن نامه به مقصد ممکن است به قیمت جان‌ش تمام شود.

از طرفی، این مجموعه نامه‌ها نوشته‌هایی است که نگاهی گذرا و

نه چندان عمیق به سرنوشت نامعلوم نویسنده آن‌ها می‌اندازد و گریزی به انسان درمانده و وامانده می‌زند که اگرچه همه مسائل اساسی برایش روی ریلی واحد و مشخص حرکت می‌کند، به مقصد نمی‌رسد. سرنوشت هریک از راوی‌ها جدا و بی‌ربط به یکدیگر است و شاید بتوان تنها نخ اتصال نامرئی میان آن‌ها را دوری و مهاجرتی از وطن و تقاضای عفو گناهانشان تلقی کرد، مجموعه نوشته‌هایی که شاید تنها برای این نوشته شده‌اند که گفته شوند، آن هم به مخاطبانی که اگر آن راز مگو را بدانند، معلوم نیست چه اتفاقی بر سر نگارنده نامه خواهند آورد. بنابراین نتیجه دانستن آن راز مگو تنها بخشیدن نیست، بلکه شاید ناخواسته نفرت و انزجار ایجاد کند.

از طرفی، گاهی فرستنده نامه تنفری عجیب از گیرنده دارد، اما در عین حال، او را دوست دارد. مرز باریک میان عشق و نفرت، دوری از وطن و احساس یگانگی و نزدیکی با آن، هم‌چنین رازهای نگفته‌ای که نوشته و ثبت می‌شوند و بسیاری از این موارد، همگی، تضادهایی است که سبب می‌شود این اثر متفاوت را خواندنی کند.

وجود ابهام در نامه‌ها گاهی سبب کند شدن ریتم داستان می‌شود. هیچ کدام از نامه‌ها به فرستنده اصلی نامه ارسال نمی‌شود، بلکه در جایی پنهان می‌شود. بنابراین سرنوشت نامعلوم نامه‌ها سبب می‌شود نگارنده بعدی نامه آن را بیابد و تأثیر بخشی از راوی آن بر نویسنده‌ی بعدی سبب ایجاد احساس هم‌ذات‌پنداری در او می‌شود، احساسی که خود سبب به هم پیوستگی آن‌ها شده است به طوری که انگار کسی نوشته نویسنده نامه را خوانده، فهمیده و او را بخشیده است حتی اگر او مخاطب خاص نباشد. بنابراین وجه مشترک همه راوی‌ها گناهکار بودنشان است که باعث می‌شود راوی قبلی را درک کنند و جرئت دست به قلم بردن و گفتن از حقایق را به خود بدهند. به عبارتی، اولین نویسنده نامه شهادت گفتن از گناهان را در دیگران برمی‌انگیزد، اما نکته شایان توجه این است که هویت راوی‌ها مجهول است. به عبارتی، شخصیت‌ها همگی بی‌نام و نشان‌اند و یکدیگر را با نام‌های «پدر»، «مادر»، «برادر» و... یاد می‌کنند.

«پست شبانه» پست مخفیانه نامه‌هایی برآمده از دل است که تنها برای «گفتن» و «تهی کردن خود» و سبکبال شدن به امید رهایی از رنج‌ها نوشته شده‌اند به طوری که گاهی برخی نگارنده‌ها به نابخشودنی بودن اعمال خود اشاره می‌کنند و در عین حال، باز هم نیاز به بخشش دارند و عمل خود را به گونه‌ای توجیه می‌کنند که نشان از تنهایی و انزوای انسان درگیر جنگ است، انسانی که چاره‌ای جز فاش کردن حقایق زندگی خصوصی‌اش ندیده و دست به قلم برده است.

ضمیمه روزنامه شهرآر
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول
سید هادی فیاضی
سرپرست:
ارژنگ حاتم‌ی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی



پست شبانه

• نویسنده: هدی برکات